

**بررسی عدالت اجتماعی و عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر توسعه پایدار شهرستان تربت جام**

شهربانو نکویی<sup>۱</sup>، محمدعلی چیت ساز<sup>۲</sup>، سید ناصر حجازی<sup>۳</sup>

**چکیده**

هدف از این تحقیق بررسی عدالت اجتماعی و عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر توسعه پایدار شهرستان تربت جام بوده است. برای چارچوب نظری، از نظریه های سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی و توسعه سرمایه داری و نظریات عدالت اجتماعی و ... استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه افراد ۲۰ تا ۶۴ ساله شهرستان تربت جام بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۵۰۰ نفر محاسبه شد. روش نمونه گیری، به صورت سهمیه ای از مناطق این شهرستان و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. یافته ها نشان می دهد زنان بیش از مردان و شهروندان متاهل بیشتر از مجردان بر توسعه پایدار تأثیر می گذارند، پس از آن با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری و با احتساب خطاهای اندازه گیری سایر متغیرهای پژوهش به ترتیب (عدالت اجتماعی ۸۱ درصد، شاخص های اجتماعی ۴۴ درصد، عدالت فضایی ۳۶ درصد، فقرزدایی ۳۳ درصد، سرمایه اقتصادی ۰/۲۷ درصد، مشارکت اجتماعی ۲۵ درصد، توسعه اقتصادی ۱۶ درصد، تعهد اجتماعی ۱۵ درصد، اعتماد اجتماعی ۱۵ درصد) تأثیر را بر توسعه پایدار داشته اند. اما توسعه پایدار در بین پایگاه های اقتصادی اجتماعی و تحصیلات مختلف یکسان بوده و تفاوتی وجود نداشته است.

**واژگان کلیدی:** عدالت اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، توسعه پایدار، شهرستان تربت جام.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (Email: sh.nekoei93@gmail.com@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (Email: mad3175@yahoo.com)

<sup>۳</sup> استادیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

## مقدمه

با توجه به اینکه آگاهی از نقاط قوت و ضعف هر شهرستان برای دستیابی به توسعه پایدار نوعی ضرورت جهت ارائه طرح‌ها و برنامه‌ها محسوب می‌شوند. بررسی این نقاط از ابعاد مختلف می‌تواند کمک شایانی به تحقق توسعه پایدار نماید.

واژه توسعه پایدار اگر چه تحت تاثیر نظریه‌های مبتنی بر اصول اقتصادی بوجود نیامد مسایل مهمی چون عدالت اجتماعی بین نسل‌های متوالی در مرکز آن نهفته است. با توجه به اهمیت بحث توسعه در دهه‌های اخیر و بحث توسعه پایدار که نگرش توسعه را فراگیرتر و از حال بسوی آینده سوق می‌دهد و یک نگرش آینده‌نگر می‌باشد. کشور ما هم بعنوان یک کشور در حال توسعه به بحث توسعه پایدار در دهه‌های اخیر در سیاست‌گذاری‌ها پرداخته است، ولی آنچه مشهود می‌باشد به توسعه پایدار دست نیافته ایم و یک نوع نابرابری محسوس در مناطق مختلف کشور و بخصوص مناطق مرزی قابل رویت است. هر چند که برای توسعه و پیشرفت یک کشور باید تمام مناطق با توجه به ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی زمینه تخصیص امکانات بصورت متعادل فراهم گردد و در واقع باید تمرکز زدایی جایگزین تمرکزگرایی شود چرا که انباشت امکانات در کلان‌شهرها موجب خالی شدن شهرها و شهرستان‌های کوچک و یک نوع لجام‌گسیختگی مهاجرت می‌کند که بافت کلان‌شهرها را از نظر فرهنگی اجتماعی دگرگون کرده و خود زمینه‌ساز آسیب‌های فراوانی هم برای مناطق مهاجر پذیر و هم مناطق مهاجر فرست می‌باشد و این قضیه در شهرستان‌های مرزی اهمیت بیشتری دارد چرا که مناطق مرزی، از نظر سیاسی نیاز به جمعیتی مقیم و ساکن دارند و خالی شدن مناطق مرزی علاوه بر نقصان روند توسعه کشور برای امنیت ملی نیز مخاطره‌ای بزرگ می‌باشد، شهرستان تربت جام از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. این شهرستان بخاطر همجواری با کشورهای افغانستان و افغانستان زمینه حضور اقوام مختلف ترکمن، تاتار، افغان و بلوچ و مذاهب و فرق گوناگون را در کنار هم در یک محدوده جغرافیایی ایجاد نموده است ولی آنچه حائز اهمیت است وحدت و انسجام این منطقه می‌باشد. لذا توجه به روند توسعه پایدار این شهرستان نه تنها به توسعه کلی استان بلکه به امنیت ملی و منطقه‌ای نیز کمک می‌کند. باروند توسعه جهانی که کشور ما هم از این روند بی‌نصیب نماند شاید بتوان گفت اولین گام‌های توسعه در زمان حکومت پهلوی در این شهرستان برداشته شد که می‌توان به ساخت اولین مدارس ابتدایی در بعضی از روستاهای این شهرستان در سال ۱۳۲۷ اشاره کرد و همچنین اقدامات عمرانی مثل احداث جاده سنتو ساخت مراکز اداری و دولتی رفاهی و بهداشتی مثل سینما و لوله کشی آب آشامیدنی و ... در سطح شهر تربت جام و اصلاحات ارضی در سطح روستاها که در واقع به نوعی امکان اشتغال را برای آفتاب نشینان و صاحبان نسق و دهقانان را فراهم آورد اما آنچه حائز اهمیت می‌باشد روند توسعه در این شهرستان و بخصوص در نیم قرن اخیر به کندی بوده است که البته این روند بی‌تاثیر از شرایط حاکم بر کشور بخصوص جنگ تحمیلی و بحران‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های نادرست نبوده است. در هر صورت آنچه مشهود است با توجه به مقاله خانم زارع در سال ۱۳۹۴ از بین ۲۷ شهرستان خراسان رضوی این شهرستان از نظر شاخص‌های توسعه پایدار از درجه توسعه پایین برخوردار بوده است که بیانگر نابرابری این شهرستان از نظر دستیابی به امکانات نسبت به سایر شهرستان‌هاست و از طرفی دیگر به نظر می‌رسد که این نابرابری در بخش‌های پنجگانه این شهرستان نیز وجود دارد با توجه به اینکه ظرف دو دهه گذشته هیچ پژوهشی مبنی بر بخش توسعه پایدار در این شهرستان انجام نشده، ضرورت دارد ضمن بررسی میزان توسعه یافتگی شهرستان به صورت کلی عدالت اجتماعی نیز در تخصیص امکانات به بخش‌های مختلف این شهرستان نیز مد نظر قرار گیرد چرا که حق استفاده از فرصت‌های برابر برای زندگی حق تمام مردم یک شهرستان می‌باشد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اصلی می‌باشد که آیا عدالت اجتماعی و عوامل اجتماعی و اقتصادی بر توسعه پایدار شهرستان تربت جام تأثیر دارد و میزان آن چقدر است؟

## بررسی پیشینه

امروزه بحث از عدالت اجتماعی بعنوان لازمه تحقق توسعه پایدار بصورت یک مقوله در آمده است. بنابراین مهمترین رسالت برنامه ریزانی که در جهت توسعه مناطق کار می کنند تلاش برای دستیابی به آرمان های فرصت برابر برای همگان و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت های آموزشی، بهداشتی و خدماتی است. در راستای تحقق توسعه پایدار باید شرایطی فراهم شود تا امکان بستر سازی توسعه پایدار فراهم آید که در این بستر می توان به توزیع بهینه کاربری ها، امکانات و خدمات، برابری عدالت اجتماعی اشاره کرد. عدم توزیع بهینه کاربری ها در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی موجب برهم خوردن نظم فضایی می گردد. عدالت اجتماعی یعنی حفظ منافع گروه های مختلف اجتماعی به طور عام و گروه های هدف بصورت خاص به وسیله توزیع بهینه منابع و امکانات، در آمدها و هزینه هاست. روند شکل گرفتن مفهوم توسعه پایدار طبیعی چند یا بین رشته ای داشته است. واژه توسعه پایدار اگر چه تحت تاثیر نظریه های مبتنی بر اصول اقتصادی بوجود نیامد مسایل مهمی چون عدالت اجتماعی بین نسل های متوالی در مرکز آن نهفته است که ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن را گسترش می دهد، این موضوع توسط رابرت سولو<sup>۱</sup>، تحت بررسی عمیقی قرار گرفت (Robert, 1974: 80). شاید بهتر باشد با یک ارزیابی منسوب به ارسطو آغاز کنیم، «آسایش بشر بر هر دوره زمانی فقط تا حدی به رضایت مردم بستگی داشته و در کنار این رضایت ضرورت دارد مسائل نسل های متوالی بعد نیز در ارتباط با دسترسی کافی به منابع مد نظر قرار گیرد تا نسلهای بعد نیز بتوانند از آن رضایت داشته باشند» بنابراین لاقول مجموعه ای از گزینه ها و امکانات برای نسلهای آینده نیز به همان میزان متناسب با آنچه در دسترس نسل حاضر است باقی بماند. (پینین تی کی کریشنا: ۱۱۹). عدالت فضایی، فقط تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است که بر جنبه های فضایی یا جغرافیایی عدالت نظر دارد عدالت فضایی توزیع عادلانه منابع و فرصت های بارز در فضای جامعه را شامل می شود که می تواند یک خروجی یا یک فرایند در نظر گرفته شود عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است «از برابری نسبی شاخص های توسعه (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی، امنیتی) در مکان ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) یک کشور با شاخص های متناظر توسعه آن در سطح ملی» (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۳۴). در کشور ما توسعه و زیرساخت های آن در نواحی جغرافیایی کشور در اثر برنامه ریزی های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت های شدیدی را در روند توسعه آشکار ساخته است.

توجه به امر توسعه پایدار در دهه های اخیر به صورت یک مقوله عمومی در آمده است گرچه صحبت از پایداری به سال های قبل از ۱۹۸۰ بر می گردد، لیکن معمولاً تحت عناوین مختلف زمانی با مضامین منفی (مانند اثر مالتوس در اواخر قرن ۱۹ یا کتاب محدودیت های رشد) و زمانی با یک تصویر مثبت (انجمن محافظه کاران کانادا) یاد می شود، به طور واقعی توجه جهانی از زمان کمیسیون براتلند آغازگر بحث توسعه پایدار بود و بر روی بحث پایداری معطوف شد. در تعریف این کمیسیون از توسعه پایدار مبنی بر دستیابی به نیازهای کنونی بدون به مخاطره افتادن امکانات برای نسل های آینده می باشد، به معنی گذران زندگی و امرار معاش از درآمد و جلوگیری از زوال سرمایه اعم از اقتصادی، محیطی و اجتماعی است (بدری و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۹).

در واقع امروزه توجه به نسل آینده به صورت یک ایده فراگیر در رأس کار سیاست گذاران که در پی دستیابی به توسعه همه جانبه می باشند، قرار دارد و از طرفی توسعه روز افزون جوامع، متأثر از رشد بی رویه جمعیت و مهاجرت منجر به ساخت و ساز های بدون برنامه ریزی شده که خود چالش هایی را در جامعه بوجود آورده است. ساختن جامعه ای سالم، کارا و در برگیرنده مسکن زیست پذیر، سطح بالای کیفیت زندگی، حفاظت منابع طبیعی، تاریخی، فرهنگی از اولویت های اساسی توسعه می باشد.

بحث عدالت اجتماعی نیز از جمله مباحثی است که در زمینه توسعه پایدار جوامع مطرح است، بنابراین مهمترین رسالت برنامه ریزان جوامع در این زمینه تلاش برای دستیابی به امکانات در مناطق مختلف ایجاد می کند.

<sup>1</sup> Robert Solow

درک نابرابری همواره تنها از طریق سنجش و مقایسه امکان پذیر می شود. وحدت متضمن همسانی و برابری است در حالیکه در شرایط کثرت ناهمسانی و به تبع آن نابرابری امکان بروز پیدا می کند، شناخت این نابرابری مستلزم داشتن معیار و سنجه هایی برای ارزیابی و مقایسه است. از طریق یک مقایسه تطبیقی می توان به وجه نابرابری پی برد. در هر جامعه ای خواه پیشرفته و توسعه یافته باشد، خواه ساده و توسعه نیافته، جلوه های کم و بیش مشترکی از نابرابری در شرایط زندگی اجتماعی را به نمایش می گذارد که زمینه اصلی آنها از این قرارند: تفاوت در فرصت های زندگی، تفاوت در آمدی، تفاوت در پایداری اجتماعی زیستی گروه، تفاوت در فرهنگ، تفاوت در رفتارهای اجتماعی (زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

با توجه به مقولات فوق باید در روند توسعه هر شهرستان نیز این موارد مورد نظر قرار گیرد، بخصوص در شهرستان هایی که در نواحی مرزی قرار دارند چرا که توسعه یافتگی یک کشور در توسعه همه جانبه تمام مناطق و محدوده جغرافیایی آن می باشد و مناطق مرزی هم بخاطر نقش اساسی در امنیت ملی و محلی حائز اهمیت است و ایجاد فرصت های برابر برای این مناطق کمک شایانی به توسعه کشور خواهد کرد. شهرستان تربت جام نیز که قسمتی از نوار مرزی منطقه شرق کشور را تشکیل می دهد و هم جوار کشور های ترکمنستان و افغانستان می باشد، متأسفانه طبق آخرین ارزیابی شاخص های توسعه پایدار شهرستان های خراسان رضوی از درجه توسعه پایین برخوردار بوده است (زارع، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

توجه به توسعه عمومی این شهرستان با توجه به شرایط نسبتاً منحصر به فرد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی باید مد نظر قرار گیرد، چرا که امنیت یک کشور به استحکام مرزهای آن کشور می باشد و توجه به نیاز های این شهرستان ها موجب جلوگیری از جابجایی جمعیت خواهد شد و ایجاد فرصت های اجتماعی و اقتصادی انگیزه ماندن در این محدوده جغرافیایی را بیشتر خواهد کرد.

با توجه به دیدگاه های مطرح شده در مبانی نظری و مطالعات مقدماتی پژوهش در خصوص توسعه پایدار و نیز دیدگاه های مختلف درباره سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، که می تواند به عنوان کنش های انسانی و منبع کنش اجتماعی محسوب می شود، اشاره داشت. بنا بر نظر پوتنام سرمایه اجتماعی و ابعاد آن معطوف به کنش اجتماعی است، آن را غنی می سازد و منبع کنش اجتماعی محسوب می شود در فضای مبتنی بر اعتماد پیش بینی کنش های توسعه ای امکان پذیر می گردد. شهروندان و نهاد های مسئول بر پایه انتظارات متقابل و تعهدات به یکدیگر عمل می کنند. اعتماد در دو سطح بین شخصی و نهاد های تخصصی باعث می شود هر کدام به شکلی شایسته و با وظیفه شناسی عمل کنند و به نحو مناسبی عمل نمایند. به بیانی اعتماد به رویکردها و نحوه خدمات سازمانی و کارآیی تخصصی آنها برای شهروندان مطرح می باشد. این امر گسترش مشارکت اجتماعی را نیز به همراه خواهد داشت و باعث کاهش هزینه های تعاملات رسمی می گردد. مشارکت شهروندان در امور شهری باعث افزایش درک و آگاهی شهروندان از مسائل مربوط و نیاز متقابل به یکدیگر می شود و این امکان را فراهم می کند که مشکلات مربوط به توسعه را با روح جمعی و همگانی حل نمایند، در سرنوشت خویش مشارکت جویند و بر فرآیند تصمیم گیری مربوط به امور جمعی تأثیر گذارند به گونه ای که اگر زمینه ای برای مشارکت شهروندان در یک طرح توسعه ای فراهم نشود توسعه و تحقق آن ممکن نخواهد بود. به زعم آنتونی گیدنز هر چه که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه های اجتماعی بیشتر می شود و تعهد اجتماعی افزایش می یابد تعهد اجتماعی شهروندان مترادف اقدام های مسئولانه و دگرخواهانه شهروندی است که شهروندان را به سمت افزایش بهره عمومی به جای بهره شخصی سوق می دهد به این معنی که با اطلاق بار ارزشی به توسعه پایدار انجام آن اخلاقی و عکس آن غیر اخلاقی تلقی می شود و فرد فشار هنجاری بر خود حس می نماید در این حالت شهروندان می دانند که بی تفاوتی نسبت به توسعه و پیشرفت فقط متوجه فرد نمی باشد بلکه جامعه شهری را تحت تأثیر قرار می دهد. در این وضعیت فرد نگران آسایش دیگران است آن هم نه فقط در سطح فردی بلکه در سطح اجتماعی. از این رو خود را متعهد به رعایت کنش های مناسب پایداری می داند که نفع و پیامدهای جمعی نظیر بهداشت و منظر زیبای شهری در آن نهفته است. همچنین در خصوص عدالت فضایی نیز می توان گفت که، از دیدگاه فلسفی محرومیت اجتماعی در فضا (توزیع نامناسب فعالیت های اجتماعی در شهرها) منجر به جدا گزینی اجتماعی و ترس مزمن در

شهروندان می شود. فلوستی از محرومیت فضایی به "جنون شهری" یاد کرده و آن را نمونه کاملی از بی عدالتی فضایی دانسته است. کوین لینچ در نظریه شهر خوب خود نیز عدالت را روشی می داند که از طریق آن، هر نوع سود و زیان بین افراد به طور مساوی توزیع شود (Lynch, 2002).

به نظر رالز عدالت زمانی محقق می شود که به توزیع صحیح سود و مسئولیت در همکاری اجتماعی برسیم و این امر مربوط به ساخت جامعه و نهادهای تشکیل دهنده آن است. زیرا « نهادهای اجتماعی شیوه دسترسی افراد به منابع را معین می کنند و قواعد تعیین حقوق و امتیازات و رسیدن به قدرت سیاسی و انباشت سرمایه را در بردارند» (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۱۷). رالز به دنبال فضیلت اشخاص نیست بلکه در تلاش است، اصولی را برای عدالت تنظیم کند تا تضاد منافع افرادی که در اجتماع به دنبال بیشتر کردن سهم خود از توزیع خیرات اجتماعی هستند را به طور منصفانه حل و فصل نماید. بسیاری از اندیشمندان شهری از جمله دیوید هاروی، ماریون یونگ، فلوستی، کنت و ... یکی از وظایف اصلی برنامه ریزان شهری را توزیع مناسب و منصفانه فضا برای تمامی استفاده کنندگان از آنها می دانند؛ این همان عدالت فضایی در شهر است (Dadashpour and et al, 2015).

یونگ در نظریه عدالت محور خود، به عامل توزیع به عنوان یک عنصر کلیدی در رسیدن به عدالت اجتماعی در شهرها باور دارد؛ وی بر این نکته تأکید دارد که هر حرکتی برای رسیدن به عدالت اجتماعی در شهرها بایستی با این پیش فرض شروع شود که برنامه ریزی شهری برای پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم، محیط زندگی راحت و تجربیات مطلوب شهروندان تدابیری بیندیشد (Young, 1990: 37). از دیدگاه فلوستی محرومیت اجتماعی در فضا (توزیع نامناسب فعالیت های اجتماعی در شهرها) منجر به جدا گزینی اجتماعی و ترس مزمن در شهروندان می شود. فلوستی از محرومیت فضایی به "جنون شهری" یاد کرده و آن را نمونه کاملی از بی عدالتی فضایی دانسته است.

کوین لینچ در نظریه شهر خوب خود نیز عدالت را روشی می داند که از طریق آن، هر نوع سود و زیان بین افراد به طور مساوی توزیع شود (Lynch, 2002). بنابراین می توان گفت که نقطه اشتراک برنامه ریزی شهری و عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی است؛ اما اینکه این توزیع بایستی بر اساس چه معیارهایی در شهر صورت گیرد، مسئله ای است که نیاز به تأمل بیشتری دارد (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۸).

طیبیان و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق با عنوان «ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت، منطقه ۱۵ شهرداری تهران» پرداختند. مقاله حاضر، کوششی به منظور تدوین چارچوبی برای ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح های شهری است. بدین منظور، این مقاله معیارهای منبعث از دو دستگاه تحلیلی مبتنی بر اندیشه های جان راولز و دیوید هاروی را به عنوان چارچوب نظری خود برای سنجش عدالت اجتماعی برمی گزیند و بر اساس آن، به ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت منطقه ۱۵ شهرداری تهران می پردازد (Dadashpour and et al, 2015).

هاروی با آگاهی از برداشت های گوناگونی که از عدالت می شود، اصل "توزیع عادلانه از طریق عادلانه" را ملاک عمل خود قرار می دهد و بر این اساس، هشت ملاک را برای عدالت اجتماعی تعریف می کند. به عقیده وی این ملاک ها مبنایی برای توزیع هستند و نشان دهنده چیزهایی هستند که به افراد چنین حقی می دهند که در قبال محصولات جامعه ای که در آن کار و زندگی می کنند ادعایی داشته باشند (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۰-۱۰۱).

در فرهنگ اسلامی عدالت اجتماعی و تحقق آن برای جامعه بشری، از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است، که خداوند متعال در آیات متعددی از جمله آیه ۲۵ سوره حدید، دلیل فرستادن پیامبر (ص) را، مطرح کردن و تحقق عدالت در همه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، بیان فرموده است (Mortaza, 2008: 49).

بنیان عدالت سوسیالیستی در قرن ۱۹ توسط هگل با معرفی دولت به عنوان منبع عدالت اجتماعی ارائه شد. بر مبنای چنین دیدگاهی، ماهیت عدالت اجتماعی توزیع عادلانه ثروت و دارایی های جامعه می باشد که چنین توزیعی براساس میزان نیازمندی افراد جامعه و

تقسیم بر اساس میزان کار و تولید صورت می گیرد که بعدها با نظریه مارکس مبنی بر، از هرکس به اندازه توانش و به هرکس به میزان نیازش اشاعه پیدا کرد. مارکس ریشه تمام مسایل و مشکلات جامعه بشری و بی عدالتی را، زاده نظام طبقاتی - به ویژه نظام سرمایه داری - می داند.

یغفوری و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیق با عنوان « بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری» پرداختند. عدالت فضایی به منزله توزیع عادلانه خدمات و امکانات شهری به منظور رسیدن به یک جامعه متوازن و یکی از رهیافت های عدالت اجتماعی است. عدم توزیع مناسب خدمات باعث از میان رفتن عدالت و افزایش نارضایتی شهروندان از محل سکونت خود و مدیران شهری خواهد شد.

داداش پور و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان « بررسی و تحلیل توزیع عادلانه خدمات شهری و الگوی پراکنش فضایی آنها در شهر همدان» پرداختند. نتایج نشان می دهد که میزان دستیابی ساکنان به مجموعه پنج گانه خدمات شهری (آموزشی، درمانی، ورزشی، فضای سبز و فرهنگی\_ مذهبی) در سطح نابرابری قرار دارد؛ هر چند در مجموع، توزیع یکپارچه آنها در سطح شهر به نسبت متعادل تر است. علاوه بر این نتایج یافته ها از چگونگی پراکنش فضایی میزان دستیابی و تراکم جمعیتی در شهر همدان نشان می دهد که این پراکنش در شهر همدان خوشه ای بوده و تمرکز نیز به سمت محلات برخوردار سوق پیدا کرده است؛ که این وضعیت عمدتاً به عدم برخورداری سکونتگاه های غیررسمی که در شرق و شمال شهر همدان قرار دارند، منجر شده است. بی عدالتی در توزیع خدمات شهری می تواند پیامدهای گوناگونی داشته و شهر را از رسیدن به توسعه پایدار باز دارد. در عین حال نقش توسعه نیروی انسانی بر عدالت اجتماعی و توسعه پایدار پرداختیم.

تیلر<sup>۱</sup> لازمه توسعه انسانی پایدار را تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به خطر افتادن توانایی نسل های آینده برای تأمین نیازهایشان می داند و بر اهمیت حفظ محیط زیست برای رشد و پرورش سالم کودکان و نوجوانان تأکید می کند (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۴: ۴۰). آمارتیا سن<sup>۲</sup> برنده جایزه نوبل علم اقتصاد، با طرح ایده « ظرفیت و کارکردهای انسانی»، پرورش و بسط استعداد های انسانی را شرط لازم برای دستیابی به زندگی بهتر دانسته و کلید توسعه را خود انسان و تبدیل پتانسیل های بالقوه وی به بالفعل دانسته است (اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: پیشگفتار).

بر اساس گفته ی نادلر و نادلر (۱۹۸۹) سه فعالیت کلیدی، محور فرایند توسعه ی منابع انسانی را تشکیل می دهد. این سه فعالیت محوری شامل: آموزش، پرورش و توسعه می باشند. آموزش؛ شامل یادگیری با تمرکز بر شغل فعلی یادگیرنده است. پرورش؛ شامل یادگیری با تمرکز بر شغل آتی یادگیرنده است و توسعه؛ یادگیری است که بر شغل تمرکز ندارد (نادلر و نادلر، ۱۹۸۹). نظریه های زیادی این دیدگاه را تأیید می کنند. از جمله این نظریه ها می توان به نظریه مبتنی بر سرمایه انسانی (بکر، ۱۹۶۴)، نظریه مبتنی بر نقش رفتاری (کنز و کان، ۱۹۸۷) و (هارت، ۱۹۸۹) اشاره کرد.

زنگنه (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان « ارزیابی و تحلیل شاخص های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور» پرداخت. ایشان معتقدند که هدف از توسعه انسانی، ایجاد محیطی توانمند برای مردم در جهت برخورداری از زندگی طولانی تر، سالم تر و خلاقانه تر است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در سه شاخص آموزش، تولید ناخالص سرانه، امید به زندگی و شاخص ترکیبی در برخی استان ها نامطلوب و در برخی مطلوب بوده اند. در مجموع نابرابری شدیدی بین مناطق شهری کشور مشاهده می شود.

پورمحمدی و زالی (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان « توسعه انسانی، چالش ها و چشم اندازها پرداختند که با بررسی تحولات مفهوم توسعه، شاخص های توسعه انسانی ایران را در سال ۱۳۸۱ مورد بررسی قرار داده و با بررسی نقاط ضعف و قوت این شاخص ها در سطح کشور، راهکارهای مناسب برای بهبود این شاخص ها را ارائه دادند.

<sup>1</sup> Tylor

<sup>2</sup> Amartiasen

همچنین در رابطه با فقرزدایی بر عدالت اجتماعی و توسعه پایدار نیز به نظریه هایی پرداخته شد. عماد افروغ در فضا و نابرابری اجتماعی (مطالعه جدایی گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله های مسکونی تهران) بعد از ارائه نظریات رایج درباره فضا و نابرابری های اجتماعی، با بررسی نظری عوامل مؤثر بر جدایی گزینی فضایی و تمرکز فقر و آثار آن بر شکل گیری خرده فرهنگ جرم زا، به تحلیل رابطه بین فضا و نابرابری اجتماعی می پردازد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

رالز تحت عنوان برابری منصفانه فرصت ها بدنبال آن است که تخصیص مناصب قدرت بر پایه توانایی افراد باشد نه بر پایه رابطه های فردی، این برابری متضمن نوعی «تبعیض مثبت» است. یعنی آنان که بواسطه به دنیا آمدن در طبقه های پایین از آموزش کامل برخوردار نبوده اند یا آنها که دارای وضعی هستند در رقابت با آنان که آموزش کاملی داشته و دارای این ضعف ها نیستند باید به نحوی توسط دولت حمایت شوند تا با آنان در سطحی برابر در رقابت قرار گیرند. چنین تبعیضی بواسطه خواست افراد در وضع نخستین است که در پشت حجاب جهل بر طبق قاعده حداقل - حداکثر در پی حمایت از منافع پائین ترین طبقات هستند.

رالز، برابری مطلق در توزیع خیرها را نمی پذیرد. زیرا به نظر او، برابری مطلق نه تنها ممکن نیست بلکه در نهایت موجب رکود اقتصادی، از بین رفتن انگیزه فعالیت و باعث کاهش ثروت عمومی می شود. پس به اعتقاد رالز حدی از نابرابری لازم است ولی حد این نابرابری تا جایی است که به نفع پایین ترین طبقات باشد و این تنها وجهی از نابرابری است که افراد در وضع نخستین می پذیرند (بهشتی، ۱۳۷۹: ۳۵).

زریباف (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان « بررسی و نقد نظریه های فقرزدایی» پرداخت. نتایج مطالعه مؤید آن است که رفاه اقتصادی و رفع فقر براساس پاره ای از پارادایم ها نتیجه خود به خودی توسعه است و از سوی دیگر، به منافع متقابل در تجارت آزاد وابسته است. دسته دیگری از پارادایم ها تجارت را تنها در صورت کنترل کامل پیشنهاد می کردند و گروه آخر، اولویت را رفع فقر می دانند که در این مقاله بطور کامل بدان پرداخته شده است.

در زمینه توسعه اقتصادی بر عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، تکورا<sup>۱</sup> معتقد است که توسعه اقتصادی ابزاری برای عدالت اجتماعی است. توسعه اقتصادی هم شرط لازم و هم شرط کافی برای عدالت اجتماعی است. توسعه اقتصادی نه تنها مسأله تولید بلکه مسأله توزیع را هم حل کرده است. اما رشد اقتصادی را ابزار قطعی و کاملی برای عدالت اجتماعی نمی داند (قیصری، ۱۳۸۱: ۱۰۹).

پروفیسور بلاک می گوید: توسعه اقتصادی عبارت است از دستیابی به تعدادی هدف، شاخص های مطلوب و نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری های اجتماعی و اقتصادی، کسب دانش فنی و مهارت های جدید، بهبود در وضع نهادها یا به طور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست های مختلف که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازد (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

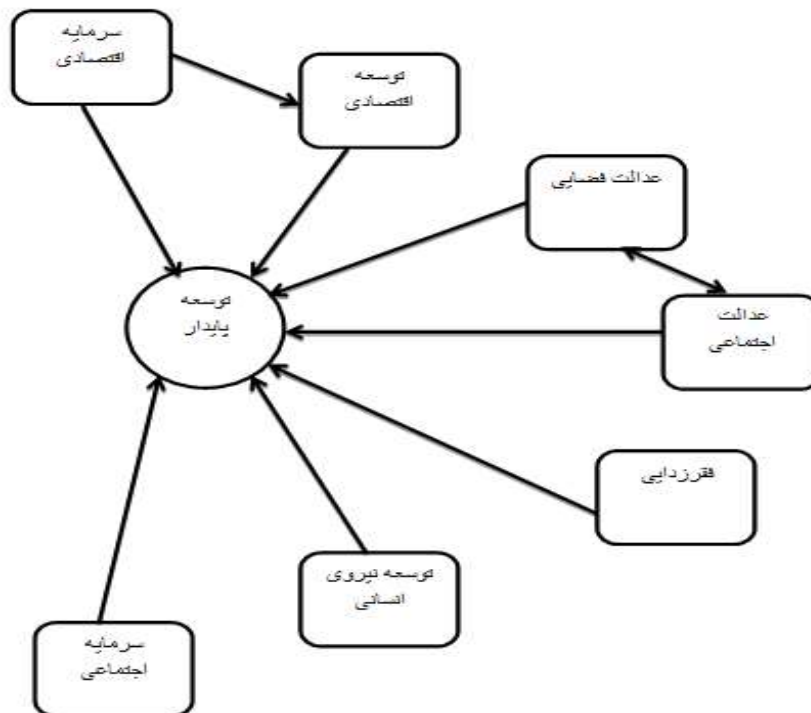
پروفیسور جرالدمیر توسعه اقتصادی را فرایندی می داند که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دوران طولی مدت افزایش یابد. افزایش درآمد ملی واقعی سرانه بتهنایی شرط کافی برای توسعه نمی باشد زیرا توسعه اقتصادی باید همراه با افزایش رفاه اقتصادی باشد و افزایش درآمد ملی سرانه تنها یکی از عوامل مهم رفاه اقتصادی است نه همه آن. زیرا افزایش رفاه اقتصادی علاوه بر افزایش درآمد واقعی سرانه به توزیع مناسب و مطلوب درآمد نیز بستگی دارد. چرا که ممکن است درآمد ملی افزایش یابد ولی توزیع نامناسب آن به تجمع درآمد در دست عده ای خاص منجر شود که این به معنای توسعه و افزایش رفاه اقتصادی نیست (موسوی جهرمی، ۱۳۷۵: ۴).

قیصری (۱۳۸۱) در تحقیق با عنوان « کنکاشی پیرامون اهمیت عدالت در توسعه اقتصادی از منظر اسلام » پرداخت. توسعه اقتصادی یکی از اهداف مهم همه حکومت های جهان بخصوص در کشورهای در حال توسعه می باشد. در ایران نیز طی چند دهه گذشته توسعه اقتصادی همواره مطرح بوده است. پس از انقلاب اسلامی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی در سال

<sup>1</sup> S.c.thakur

۱۳۶۷ عملاً امکان ریزی برای توسعه کشور وجود نداشت. اجرای برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی از سال ۱۳۶۸ همراه بود با افزایش شدید سطح عمومی قیمت ها، کاهش قدرت خرید اقشار کم درآمد، افزایش ثروت بخشی از جامعه که عمدتاً در بخش تجارت مشغول بودند و بهره مندی عده ای از رانتهای دولتی و غیر دولتی. این مشکلات ضرورت پرداختن به بحث عدالت و جایگاه آن در توسعه اقتصادی را شدت بخشید.

- سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار در شهرستان تربت جام تأثیر دارد.
- عدالت فضایی بر توسعه پایدار در شهرستان تربت جام تأثیر دارد.
- توسعه اقتصادی بر توسعه پایدار در شهرستان تربت جام تأثیر دارد.
- سرمایه اقتصادی بر توسعه پایدار در شهرستان تربت جام تأثیر دارد.
- توسعه نیروی انسانی بر توسعه پایدار در شهرستان تربت جام تأثیر دارد.
- دستیابی به توسعه پایدار در شهرستان تربت جام توسط زنان بیشتر از مردان می باشد.
- دستیابی به توسعه پایدار در شهرستان تربت جام در بین متاهلان و مجردان متفاوت است.
- بین سن و توسعه پایدار در شهرستان تربت جام رابطه وجود دارد.
- بین گروههای مختلف تحصیلی تفاوت معنی داری در توسعه پایدار در شهرستان تربت جام وجود دارد.
- بین پایگاه های اقتصادی اجتماعی مختلف تفاوت معنی داری در دستیابی به توسعه پایدار در شهرستان تربت جام وجود دارد.



### روش تحقیق

روش تحقیق پیمایشی بوده، که به لحاظ هدف توصیفی - تحلیلی است. جامعه ی آماری تحقیق کلیه مردان و زنان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهرستان تربت جام که بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، شامل ۱۴۷۵۲۷ نفر جمعیت می باشد. روش نمونه گیری در این نوشتار نمونه گیری سهمیه ای استفاده شده است. نمونه گیری به معنای برداشتن نسبتی از جامعه یا کل به عنوان معرف یا نماینده است این نمونه باید اکثر ویژگی های جامعه کل را داشته باشد تا بتوان نتایج حاصل از آن را به کل



تعمیم داد. داده ها بر اساس طرح نمونه ای سهمیه ای مبتنی بر گروه سنی ۲۰ تا ۶۴ است، جنس و منطقه محل سکونت (همه مناطق شهرستان تربت جام) متناسب با حجم جمعیت جمع آوری شده است که تا حد امکان معرف جامعه و متناسب با هدفهای پژوهش باشد. ابزاری که برای جمع آوری داده ها انتخاب و بکار گرفته شده است پرسش نامه ساختمان می باشد متناسب با متغیرهای تحقیق سؤالات و مقیاسها طراحی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### بحث و ارائه یافته‌ها

#### • توزیع فراوانی ابعاد توسعه پایدار

		اقتصادی			اجتماعی			زیست محیطی	
		فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
ابعاد توسعه پایدار	کم	۸۶	۱۷/۲	۱۷/۲	۴۷	۹/۴	۹/۴	۸۲	۱۶/۴
	متوسط	۲۴۲	۴۸/۴	۶۵/۶	۲۷۷	۵۵/۴	۶۵/۶	۳۰۹	۶۱/۸
	زیاد	۱۷۲	۳۴/۴	۱۰۰	۱۷۶	۳۵/۲	۱۰۰	۱۰۹	۲۱/۸
	جمع	۵۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰

در ابعاد توسعه پایدار در دو مؤلفه (اجتماعی، اقتصادی) توسعه پایدار زیاد نسبت به (مؤلفه زیست محیطی) افزایش بیشتری دارد. از سوی دیگر در مؤلفه اجتماعی تنها ۹ درصد شهروندان اظهار داشته اند که از توزیع خدمات این مؤلفه ها رضایت کمی دارند و ۹۰ درصد بیان نموده اند که به طور متوسط و زیاد از توزیع خدمات این مؤلفه ها رضایت دارند. در مؤلفه اقتصادی ۶۵ درصد شهروندان به طور متوسط و کم از مؤلفه ها (با گویه هایی استفاده از علم و دانش برای کسب ثروت و اشتغال جامعه، کاهش شکاف اقتصادی، خام فروشی و وابستگی در اقتصاد، وجود متخصصان دانش آموخته در سطوح آموزش عالی، مدیریت جهادی) رضایت دارند و تنها ۳۵ درصد به طور زیاد از این مؤلفه ها رضایت دارند. در مؤلفه و بعد سوم ۷۸ درصد شهروندان مؤلفه زیست محیطی توسعه پایدار (خود کفایی در تولید محصولات کشاورزی، آلودگی های آب و هوا، میزان آلودگی صوتی و ...) را به طور کم و متوسط از توزیع این مؤلفه ها رضایت دارند.

#### • توزیع فراوانی ابعاد شاخص اجتماعی

		اعتماد اجتماعی			مشارکت اجتماعی			تعهد اجتماعی	
		فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
ابعاد شاخص اجتماعی	کم	۱۲۴	۲۴/۸	۲۴/۸	۱۷۴	۳۴/۸	۳۴/۸	۴۸	۹/۶
	متوسط	۳۱۸	۶۳/۶	۸۸/۴	۲۳۲	۴۶/۴	۸۱/۲	۳۲۷	۶۵/۴
	زیاد	۵۸	۱۱/۶	۱۰۰	۹۴۴	۱۸/۸	۱۰۰	۱۲۵	۲۵
	کل	۵۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰

جدول بالا نشان می دهد که توزیع فراوانی تعهد اجتماعی نسبت به دو بعد دیگر در وضعیت مطلوب تری قرار دارد در این متغیر ۹/۶ درصد افراد در سطح کم تعهد اجتماعی قرار دارند و در سطح متوسط و زیاد نیز توزیع پاسخگویان دارای فراوانی نسبی بیشتری (۶۵/۴ و ۲۵ درصد) نسبت به دو بعد دیگر است. پس از آن مؤلفه اعتماد اجتماعی در مقایسه با دو بعد دیگر وضعیت مطلوب تری دارد و سپس مشارکت اجتماعی در مرتبه سوم در بین ابعاد شاخص های اجتماعی قرار می گیرد به گونه ای که ۳۴ درصد شهروندان اظهار داشته اند که در سطح کم به مشارکت های اجتماعی اقدام می ورزند.

• نتایج توصیفی و استنباطی آزمون تی تک متغیره

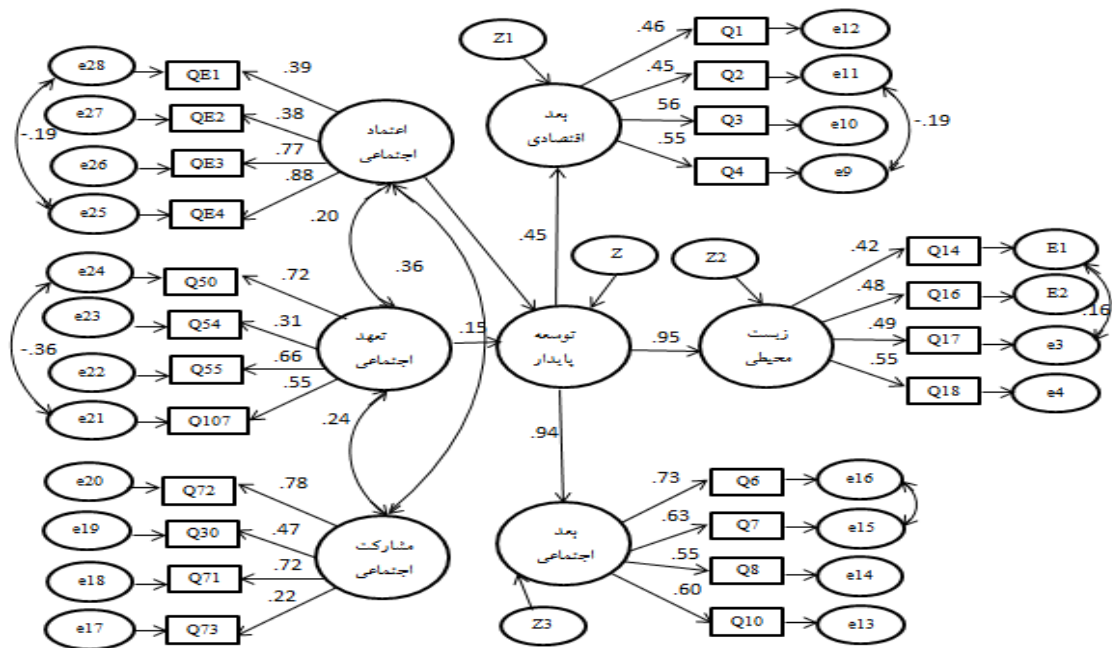
توسعه پایدار	تعداد	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین	تفاضل میانگین	انحراف معیار
	۵۰۰	۷/۲۲	۴۹۸	۰/۰۰	۳/۳۴	۰/۲۵۵	۰/۷۶۳

سطح معنی داری یک احتمال از توزیع t با درجه آزادی ۴۹۸ را نشان می دهد و تفاضل میانگین نیز از کم کردن مقدار آزمون از میانگین نمونه بدست می آید این تفاضل ۰/۲۵ صدم می باشد. آزمون t مشخص می نماید که آیا میانگین نمونه با جامعه همخوانی دارد یا نه. علامت مثبت تی نشان می دهد که نمره توسعه پایدار از نمره ملاک بزرگتر است با درجه آزادی ۴۹۸، سطح معنی داری کوچکتر از ۵ صدم است، چون سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم است دلیل کافی برای رد کردن فرضیه صفر وجود دارد با این نتایج می توان گفت که توسعه پایدار توسط شهروندان بالاتر از میانگین می باشد و فرض صفر رد می شود.

• ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش و توسعه پایدار

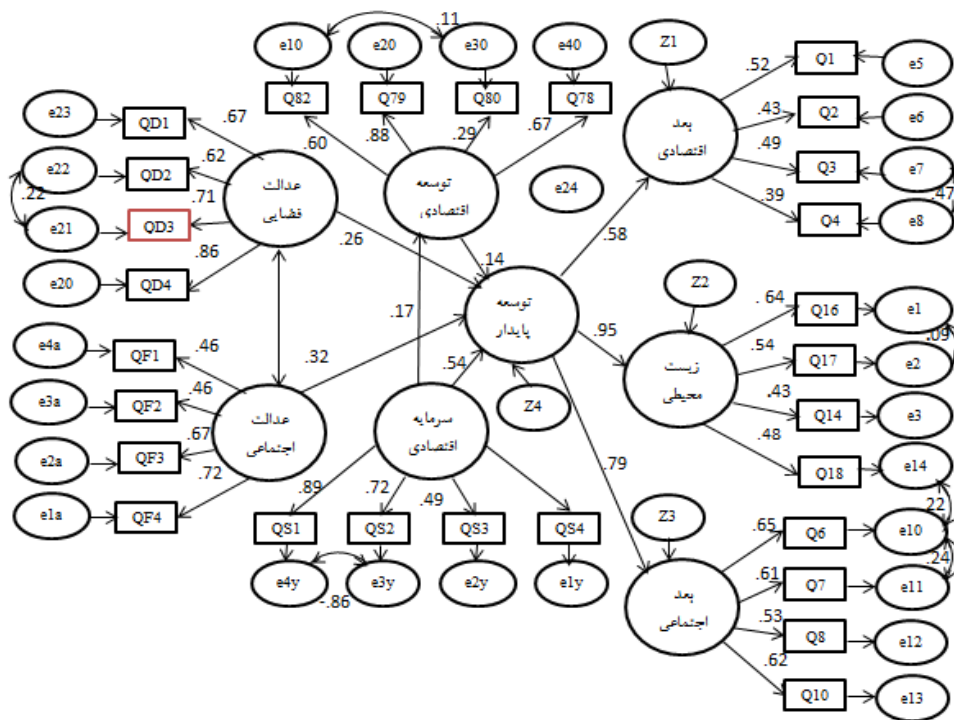
شاخص اجتماعی	عدالت فضایی	توسعه اقتصادی	توسعه نیروی انسانی	فقرزدایی	عدالت اجتماعی	سرمایه اقتصادی	توسعه پایدار		
								همبستگی	
								معنی داری	توسعه پایدار
								تعداد	
								همبستگی	عدالت اجتماعی
								معنی داری	
								تعداد	
								همبستگی	سرمایه اقتصادی
								معنی داری	
								تعداد	
								همبستگی	فقرزدایی
								معنی داری	
								تعداد	
								همبستگی	توسعه نیروی انسانی
								معنی داری	
								تعداد	
								همبستگی	توسعه اقتصادی
								معنی داری	
								تعداد	
								همبستگی	عدالت فضایی
								معنی داری	
								تعداد	
								همبستگی	شاخص اجتماعی
								معنی داری	
								تعداد	

طبق جدول (۴-۱۷) ضرایب همبستگی متغیرها در قطر اصلی ماتریس همیشه یک می باشد چون هر متغیر یک رابطه کاملاً خطی با خودش دارد. از ضریب همبستگی پیرسون نمی توان رابطه علت و معلولی و اثر بین متغیرها را استنباط کرد این ضریب تنها نشان دهنده شدت و جهت همبستگی بین متغیرهای پژوهش و توسعه پایدار است. بر اساس جدول ماتریس همبستگی و ضریب پیرسون نشان می دهد که جهت و شدت همبستگی بین متغیرهای پژوهش با هم و با توسعه پایدار چگونه است این ضریب بین +۱ تا -۱ تغییر می کنند و قدرت رابطه خطی بین متغیرها را اندازه می گیرد. در ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش و توسعه پایدار بیشترین شدت همبستگی به ترتیب (توسعه نیروی انسانی ۰/۴۳، عدالت اجتماعی ۰/۳۰، شاخص اجتماعی ۰/۲۶، عدالت فضایی ۰/۲۳، توسعه اقتصادی ۰/۲۱، فقرزدایی ۰/۱۵ و سرمایه اقتصادی ۰/۰۸) می باشد. و به لحاظ آماری بیان می کند که در ازای یک واحد انحراف معیار در متغیرهای مستقل (توسعه نیروی انسانی، عدالت اجتماعی، شاخص اجتماعی، سرمایه اقتصادی، توسعه اقتصادی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی) به ترتیب (۰/۴۲، ۰/۳۱، ۰/۲۷، ۰/۲۴، ۰/۲۰، ۰/۱۵، ۰/۰۸) صدم) انحراف معیار به طور متوسط، توسعه پایدار تغییر داشته است. لازم به ذکر است که در آزمون پیرسون متغیرها فاقد خطای اندازه گیری فرض شده اند در حالی که در عمل این متغیرهای مشاهده شده نمی باشند بنابراین به لحاظ روش شناختی انتظار می رود که برآوردها در حالتی که خطای اندازه گیری متغیرها نیز محاسبه شود دارای نتایج واقعی تری باشد و نتایج واقعی تری حاصل شود. مدلسازی این امکان را فراهم می آورد تا روابط میان انواع متغیرها و توسعه پایدار مشخص شود از این لحاظ که چه مسیریابی بر یکدیگر اثر می گذارند و اثرگذاری با چه شدت و جهتی است.



### آزمون مدل نظری پژوهش

در اینجا متغیرهای مکنون سرمایه اقتصادی، عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی و عدالت فضایی با متغیر مکنون توسعه پایدار در ارتباط قرار گرفته است.



### نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شده است به بررسی عدالت اجتماعی و عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر توسعه پایدار شهرستان تربت جام پرداخته شود. با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی نشان می دهد زنان بیش از مردان و شهروندان متأهل بیشتر از مجردان کنش به سمت توسعه پایدار را انجام می دهند، پس از آن با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری و با احتساب خطاهای اندازه گیری سایر متغیرهای پژوهش به ترتیب (عدالت اجتماعی ۸۱ درصد، شاخص های اجتماعی ۴۴ درصد، عدالت فضایی ۳۶ درصد، فقرزدایی ۳۳ درصد، سرمایه اقتصادی ۰/۲۷ درصد، مشارکت اجتماعی ۲۵ درصد، توسعه اقتصادی ۱۶ درصد، تعهد اجتماعی و ۱۵ درصد، اعتماد اجتماعی ۱۵ درصد) تأثیر را بر توسعه پایدار داشته اند. اما توسعه پایدار در بین پایگاه های اقتصادی اجتماعی و تحصیلات مختلف یکسان بوده و تفاوتی وجود نداشته است.

با توجه به نتایج تحقیق، می توان پیشنهادات زیر در رابطه با انجام پژوهش های بعدی ارائه نمود:

تعادل در توزیع امکانات در سطح شهرستان و برقراری عدالت اجتماعی موجب می شود که از روند مهاجرت و پیامدهای نابسامان اجتماعی آن جلوگیری شود. بالا بردن آگاهی عمومی و افزایش سطح تحصیلات در رشته های علمی مختلف در سطح شهرستان موجب تحقق توسعه فرهنگی و علمی خواهد شد و کمک شایانی به روند توسعه پایدار خواهد کرد. تبعیض جنسیتی ناشی از فقر فرهنگی که مانع از تحصیل دختران و موجب کم رنگ شدن نقش زنان در جامعه می شود را می توان با سیاستگزاریهای فرهنگی مرتفع نمود. سیاستگزاری و تخصیص بودجه در زمینه بهبود امکانات عمومی و زیر ساختهای اجتماعی و اقتصادی با توجه به منابع موجود.

۱. اکبری، نعمت الله (۱۳۷۸)، مباحثی از توسعه در ایران، اصفهان، هشت بهشت.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، «تاریخ اندیشه های سیاسی قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه کاری»، جلد دوم، نشر نی، چاپ اول.
۳. پورمحمدی، محمدرضا؛ زالی، نادر (۱۳۸۴)، «توسعه انسانی، چالش ها و چشم اندازها (با نگاهی تحلیلی به شاخص های توسعه انسانی در ایران)»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۴. پی نین تی کی کریشنا راتو (۱۳۸۵)، توسعه پایدار (اقتصاد و سازکارها)، مترجم احمدرضا یآوری دانشگاه تهران.
۵. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، مباحث کلاسی درس ژئوپلتیک، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۶. حبیبی، محسن؛ بارول، شیرین؛ خجسته، مریم؛ نگهداری کیا، پریا (۱۳۸۹)، «طراحی روستایی، مشارکت و توسعه پایدار»، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۲.
۷. داداش پور، هاشم و رستمی، فرامرز (۱۳۹۰)، «بررسی نحوه توزیع خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت فضایی (مطالعه موردی شهر یاسوج)»، نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۶، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. داداش پور، هاشم؛ رستمی، فرامرز؛ عزیززاده، بهرام (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل توزیع عادلانه خدمات شهری و الگوی پراکنش فضایی آنها در شهر همدان»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۲، صص ۵-۱۸.
۹. زارع، آمنه؛ همایونی فر، مسعود؛ رزمی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴)، «ارزیابی شهرستانهای استان خراسان رضوی بر اساس شاخصهای توسعه پایدار»، مجله اقتصاد و توسعه منطقهای سال بیست و دوم، دوره جدید شماره ۱۰.
۱۰. زاهدی، محمد جواد (۱۳۸۶)، «توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار، چاپ سوم.
۱۱. زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد نظریه های فقر زدایی»، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره ۳، صص ۶۵-۹۶.
۱۲. طبیبیان، منوچهر؛ شکوهی، محمد صالح؛ ارباب، پارسا (۱۳۸۹)، «ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت، منطقه ۱۵ شهرداری تهران»، آرمانشهر، شماره ۵، صفحات ۱۱۱-۱۲۲.
۱۳. قیصری، رجبعلی (۱۳۸۱)، «کنکاشی پیرامون اهمیت عدالت در توسعه اقتصادی از منظر اسلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای اقتصادی، سال اول، شماره پنجم و ششم.
۱۴. موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۷۵)، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشگاه پیام نور.
۱۵. هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، «عدالت اجتماعی و شهر»، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۶. یغفوری، حسین؛ قاسمی، سجاد؛ قاسمی، نرگس (۱۳۹۶)، «بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۲۶.

17. Dadashpoor, H.; B. Alizadeh and F. Rostami. (2015). Determination of Conceptual Framework from Spatial Justice in City with Focus on the Justice Concept in Islamic Academy. Journal of Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning, Vol. 5, No. 1.
18. Dadashpoor, H.; B. Alizadeh and F. Rostami. (2015). Spatial justice dialectic in city. First edition, Azarakhsh press.
19. Lynch, K. (2002). A Theory of Good City. (Translated by Bahrini, H.), second edition, Tehran University Press.
20. Young, I. (1990). Justice and the politics of difference. Princeton University Press.